

بسم الله الرحمن الرحيم
جناب آقای دادستان کل انقلاب اسلامی
مجاهدین خلق ایران شاخه مشهد بدینوسیله نسبت به اتهامات عنوان
شده از جانب آقای احمد آذری قمی مندرج در کتبها (۳۱ مرداد ماه سال
چهار و انتشارات و نشریات را در پیوسته بر روی جبهه شب سوم شهریور سال
نامبرده بر علیه سازمان مجاهدین خلق ایران، اعلام جرم نمودم و تا غایب
تعیین نشود و ابراهیم را در دستم نگاهدارم. توضیح اینکه اگر این شخص نتوانست گواهی نامه سیاسی
و مالی را نسبت به مجاهدین بنامش بنامش بدهد یا در صورت عدم دریافت آن
مستحقین برای اثبات عدم غرضورزی شخصی خود اعلام می کند.
چنانچه تا سرحد لاف ظاهر باشد از طریق وسایل ارتباط جمعی اتهامات کذب
سرمایه داری و داشتن ثروت بی حدود و راهی که علیه ما در پیوسته است اعلام
نمودن کرده پس بگذرد، بازهم تأیید می نماید که علیه خود ما عنوان نموده
تا دیده گرفته و نتواند ما را پس خواهیم گرفت.



سال اول - شماره ۹ - دوشنبه ۱۲ آبان ماه ۱۳۸۸ - شماره ۱۵۸

با احترام - مجاهدین خلق ایران (شاخه مشهد) - ۵۷/۷/۷

بمناسبت عید قربان:
"ضد ابودی" ایست معنای تحت اللفظی "فدا قربانی"
در صفحه ۴
روستای "طرق" نمونه ای از روستاهای استعمارزده
در صفحه ۴
تبریک به حسن تشخیص زندانبان سعادتی در صفحه ۲
جراجه هشتاد و نه ای مکرر شوراهای مردمی توجیهی نشد؟
در صفحه ۴

مفهوم تنهایی

ما معتقد بودیم که ضعفهای سیاسی - تشکیلاتی این انقلاب
فقط تا حدودی از طریق ارتباط مستمر رهبری آن با نیروهای
مختلف سیاسی و تشکیلاتی قابل جبران است
بهیوسته بران ضدواری کرده بودیم که امام فارغ از هر حزب و گروه بخصوص،
ولی در ارتباط با نام آنها قرار گیرند. زیرا سروش کشور با احزاب و گروهها و
افزاد مختلف قبل از هر چیز مستلزم نقش پدران و بیک چشم دیدن نام آنها در
زندگی روزمره است. نفسی که به هیچ وجه با مواضع خاص اعتقادی خود امام نه
تنها در تناقض نیست بلکه مکمل آنست.
به قسمتی از تبریک مجاهدین ملاحظه بعد از فرزند دوم جمهوری توجه کنید:
حضرت آیت الله، پدر گرامی
شما در یکی از دوران سازتین مطبوعات تاریخ این مینیمم در مقام رهبری قرار گرفتید
این افتخاری عظیم و مسئولیتی بی نظیر بر عهده شماست.

هشدار پیرامون چپ روی و چپ نمایی

پیام مجاهدین به مارکسیست های اصولی:

مطلق کردن ضداستیمت حاکم، و نادیده گرفتن مطلق مرزهای وحدت با بورژوازی
کوچک، چیزی جز اورتونیسیم و انحراف است، و نه تنها با سواد امپریالیزم خواهد بود

تادیبانی ارتشانی کردن سازمان ما
سر از پانسی ها خنثی شدن کاربرون گله
اپورتونست گنهای مطلق و خوددستی
بوده که گاهان جاد فرست علی بر هیچ
ملای فرمانرکست روانی دادند.
امروز زمان صحت تشهیی ما
را در آنچه انحرافی را فرصت طلبان
نمیده بودیم به اثبات رسانند. و
متأسفانه ثابت شده که این ما هستیم که
باستی جبارنا "برخی بخش ها و مواضع
از نظر افتاده" مارکسیسم را مجدداً به
بعضی ها متذکر گردیم. من جمله
حما دین فرست طلسمی و انحراف اصول
علم حاکم بر یک سازه ضد امپریالیستی
خلق را.

سی خواستیم برونده" اپورتونستی
چپگرایی های کاذب را بکنانیم برخی
از این برونده ها که از مدبر مشروطه سابقه
دارد. قدر علویت با راست که از کارکنانی
آنها بیکر زخمی سارزات دادلانه خلق
راسی شده تر میکند. لکن سالها آنما
که به ما مربوط میشود ندرت کردن گذشت
های چپگرایی و چپ برین بمرود نیست
بلکه در قضا" درس آموزی صورت داریست
برای امروز و آینده را در نظر داریم.
چهار سال پیش نیز وقتی سر
مسلک دولتی امام در انحرافی چپ نمایان

چه کسانی صلاحیت نمایندگی کارگران را در شوراهای کارکنان ندارند؟

کارگران خواستار اداره شورایی کارخانه ها هستند، و در
راه اندازی صنایع در جهت ضداستیمتاری آن می کوشند

منابع سرمایه داران حرکت کنند. اگر
هم نشدند اول کار چپکی و هزار دور و ترک
سای و استفاده از قدرت حاکم،
کارکنان را خسته و از تشکیلات خورا
رود کنند. اعمال از یک دیگر برود ما
بویژه طبقه مستعمل داران را به
سارت نمی دهند. می گویند تا از
تغییر موالف سرمایه داری وابسته اند
شوراهای واقعی جلوگیری کنند.
در واقع در این شرایط تبه
اصلی شوراها بی محتوا گردن آنهاست.
بقیه در صفحه ۴

در گذشت پدر مظلومانی
سرمایه داران وابسته را با جوی
خواستار های شورایی ما با خاست
آنها که تا این زمان با طرح تشکیلات
سندیکا و باجمله های دیگر سعی در
خلوگری از تشکیلات خورا داشتند.
وقتی دیدند که میسر نمی آید از مردم
بیکارچه فریاد می زنند. بهام
مظلومانی شهادت است "شورا"
شوراهای برسی ایجاد میگردند
حسابی جاروند.

دانشگاه و انقلاب (۴)

هشیاری انقلابی خود را با گزینش
تاکتیکهای مناسب سیاسی حفظ کنیم
نگاهی تطبیقی به اشغال ساختمانهای بزرگ توسط دانشجویان
برخوردی انتقادی با خطره چه اصولی تر کردن تاکتیکهای
مبارزه ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی
"بدیدم که انقلاب در دکارتیک، یعنی تنها الگوی اصولی مبارزه" ضد امپریا -
لیستی خلقهای تحت سلطه برای خروج کامل از حاکمیت امپریالیسم ما بجا می آیند
که وحدت تمام افکار و طبقات خلق - که علاقه شرکت در مبارزه با زنده امپریالیستی
را دارند - حفظ شود. و در این میان نیروهای انقلابی یعنی معتقدین به همه اشعار
انسان از انسان برتریه" نفی ما لیکت عصوصی ابزار تولید و در "س" همه آنها
نیروهای اصیل تولیدی پیشترین مسئولیت را دارند. یعنی از اصول اساسی که
نیاید نقض شود همین اصل است -
بجاست که در این چهار چوبه، بیکی از تاکتیکهای را که طرفدارانشان جوان
بقیه در صفحه ۴

این اشتراکات تا این لحظه
حتی تمام امام و سوشلیستی برخی
کارگران دولتی، شوراهای واقعی
کارگران در مردم می گویند این باز
کارگران شورایی واقعی را نه تنها به
منزله کلیه حل مشکلات صنایع سیاسی
خود می دیدند، بلکه تشکیلات آنرا
بعنوان یک فرجه اشخاص اجتماعی
تصمیم شدند. چه بسیار کارگرانی که
اگر به ایشان می گفتی شوراها تشکیلات
ندیدند، در جواب می گفتند پس
بکارگاری بگو نیز هم تو را نمی آید یا
پس این آید این تشکیلات خوراها
کاربرهایی که با وضع شوراهای
مخالفت می کردند، فهمیدند که
باستی مثل بعضی از حزبها در ایران
بجای درگیری با شوراهای حتی آنرا
تسلیم کنند، ولی از درون، مانع
بزنند. بعنوان مثال از شرکت

پس شما همچون پدری هستید برای تمام مردم ایران و در برابر تمام اختلافات
گروهی و قومی و مسلکی تمام فرزندان شما، ایستاده بیدهی ایستاده تمام این شاعر
و زاری تمام، غریب و تیره و بغیر امام هیچ میمانی تا مواضع اخلاقی اعتقادی ندانید
و بل مکمل آن است.

پس هرگز باید که عناصر باجریاتی با سنگ گرفتن در پشت سر شما و پنهان
شدن در پشت از شورایی شما، که از روشی متعلق به عموم مردم ایران است سر خود
گیرند و کار خود کنند. کاری که در نخستین قدم همچنانکه از زنده و زودتان
ایران نیز کشید" معروف داشتیم با دور کردن نیروهای اصیل از کارکنان، اما ناخوشایند
است.

اینجاست که مجاهدین خلق ایران بیوسته این مطلب را که بارها اعلام
کرده اند خشکو بنامیده اختصاصی ندارید، با دیده" شایسته" حسیون نگریستند.
اند. چرا که برای ما مهم اینست که توده مردم شما را به عیب احتمالی دیدن
از چنانچه تکلی علی علیه السلام شاره دارد میگردند، آنجا که در هیچ ایام لغوی میگوید:
"شما گمان می کنید که کسی گفتا نیست عتبه انزلیت".
ملاحظه میگردد که با اعتقاد امام صرف نظر از مواضع خاص عقیدتی و مذهبی
بقیه در صفحه ۴

گفتگو با برادر مجاهد موسی خیابانی (۲)

چه کسی در کردستان پیروز میشود؟
از دخالت عملی در مسأله ملت ها خود داری کنیم، تا با ورود خود در این
صحنه باعث پیچیده تر شدن مسأله نشویم
در شماره قبلی مجاهد (شماره ۸)
قسمت اول گفتگو با برادر مجاهد موسی
خیابانی را تحت عنوان چه کسانی به
شایسته بود و انتشارات و انتشارات سازمان
مجاهدین خلق دامن میزنند. چاپ
کردیم. اینک قسمت دوم این گفتگو را
که درباره کردستان از نظر خورا اند -
گان میگردانیم:
صدا فرست اول گفتگو در
جایی که از "پایگاه طبقاتی مناسبت
مروا" صحبت بود "فصلنامه" شماره
شده است که انتشار "انتخابات"
انتشار چاپ شده که بدینوسیله
تصحیح میشود. و اینکه دنباله گفتگو:

رابطه مواضع اجتماعی - سیاسی امام علی

بمطلق راه ما هم، یعنی دست
تسین بزنم. ولی قبل از ورود به
بحث مقدمتاً لازم است ببینیم که
بطور کلی، قائل فلسفی چه گفتی دارد
و تا این حد چیست
تأیید و نقض شامل فلسفی در مواضع
اجتماعی - سیاسی
البته جواب بطور تئوریک روشن
است. "این سنی که کهر ایدئولوژی و
چپان، یعنی که دنیا سیم (تئوریک)
را بدستی دانستند و توانا بدیدند و در
تئوری را بسند. طبعاً روی محور تئوری و
انقلاب در موضع چپتر و بالاتر قرار می
گیرد. به سارت دیگر که ایدئولوژی بر
اندازه که از انحراف سیمتر و سیمتر و سیمتر
خود را برود و درنگ عالی در توضیح یافتند
توانستند به حرکت حرکتی در جهان
داشته اند. بهمان سبب سنی برپا بدیدند
توانستند. ناس سنی که وقتی دنیا سیم
ایدئولوژیهای باسین تر باسین با سیم
بقیه در صفحه ۴

رابطه مواضع اجتماعی - سیاسی امام علی

عمیق ترین اعتقادهای ایدئولوژیک، مستلزم دقیق ترین
استقرار بر مواضع اقتصادی - اجتماعی است
در دستار گفتگوتیریه "مجاهد"
من میمانی در تشریح و تفسیر غلطیات
با برخی از تفکراتها و مواضع دیدگاه
شما، یعنی انقلابی و توحیدی امام علی است
ندیدم. اکنون در این شماره میخوانیم
سیستم این مواضع از دیدگاه فلسفی
پس میمانی. عبارت دیگر این مواضع
چهره بی باک افکار و تفکر شماست و
جهان بینی می دارد. اما بی توان
که این منبر فلسفی در عمل تا شری در
مواضع اقتصادی - اجتماعی نشاندند
لذا بود توحیدی بی توان است "ملا"
بر اساس یک دیدگاه ناسی و ارتجاعی
و ذهنی میخواندیم بر مواضع بر خور -
دار بود. اما میخوانیم با دیدگاه فلسفی
و اسلوب اسکولاستیکی بدین نسوا را
مسائل اجتماعی رفت و ماند علی ارسین
حل آنها بر ما ۲۴ امام علی منم اتفاق -

سوال - برادر خیابانی در اینجا جازه
بدهید قدری در باره کردستان
صحیح کنیم. چون یکی از شاخصات
اینست که در سازمان بر سر استوار است
اختلاف نظر وجود دارد. وقتی گفته
شده که شما کردستان رفتند و در
درنگ کرده و آمد جنگ شده است.
جواب - بنام بنام این زمان است.
ما بهمان سبب بطوریکه بنام خیابانی است
مروا صورت اختلاف و مواضع اخلاقی
در این زمینه میگرداند. اما واقعیت این
است که در سازمان ما منبر سالگرد
ستان و منبر هیچ مورد دیگری، هیچگونه



اختلاف نظر وجود ندارد. اما راجعه به
قسمت دوم مطلبی که مطرح کردیم، می بیند
کسی از کتب در اینجا یعنی در تهر ان
هستم. و متأسفانه تاکنون هیچ نقطه ای
از کردستان را از نظر دیدگاه ما، یعنی
توفیق سفر مدیانه را نداشته ایم. بنابر
این سخن که در اینجا هیچکس از سازمان ما
با و نیز جنبش ملی مجاهدین چنین
مسئولیت و ما میرویم در کردستان
نداشته است. در حالت این وضعیت یک
مؤسسه را "کتابخانه" که است که از
سیاست ما در مقابل مسأله ملت ها ناشی
میشود.

مباحث ایدئولوژیک

التمه ما درباره مسأله ملت ها و
نحوه حل آن در نظر فلسفی روشی داریم،
که آنها را از همان ابتدا یعنی از فردای
پرویزی تمام خوسن خلق اسلامی
گردانیم. اما همین با واقعیتها در
داده، و بعد از آنهم در مورد سیاستهای
مختلف با پیش بینی واقع اجتماعی اعلام
خط کرده و راه حلهای اصولی و صحیح
مسائل را که بنظرمان بر سیده، عرضه
کرده ایم. که البته مورد توجه قرار نگرفت.
فته است. متأسفانه ما در راههای اخیر
بقیه در صفحه ۴

مفهوم تنهایی

آخرچه کسی شکت داشت و فکر میکرد که نوده های میلیونی رهبران و آنها گذاشته اند؟

مسئولیت های بس سنگینتری که بعضی مردم این مین مربوط می شود دارند. یکی از برادران ما در روز چهارم خرداد در این باره چنین گفت:

"اینان فراتر از آن هستند که منحصر باشند به یک جمعیت یا دسته احزاب بخصوص، بلکه در ورای تمام احزاب، به تمام اقشار و طبقات خلق تعلق دارند، و راستی هم کاین تعلق چه شکر نیست گنجینه با خود دارد. مسئولیت متحد کردن تمام طبقات و اقشار مردم، و هدایت مبارزات آنها در یک کانال درست، در یک مسیر درست و ممانعت از اینکه مبارزه مسریه ای انحرافی برود، و انداختن مبارزه در شرایط مستقیم ضد استعماری"

البته این حرفها که در نهایت صمیمیت و علاقه و خلوص قلبی نسبت به ما مایل باشند آرزوها و پس از آن بدل انحصار طلبان ننشست، آنها نمیخواهند و بارها میخواهند که امام در مسند سپهر استی و ارتباط با تمام نیروها بنشیند. به همین دلیل مطالب مارا بیعتی و دورویی تعبیر کردند.

مناصفانه جامعه ما هنوز از شرایط ذهنی مخفی برای پیروزی در انقلاب ضد امپریالیستی و خوردار پیوست

لکن ما برای آنچه فوقاً گفتیم دلایل استواری داشتیم. دلایلی که مسطرن بودیم در باره یارون حقانیت خود را برای بسیاری از مردم روشن خواهیم کرد. دلایل با اختیار در صفهای سیاسی - سازمانی این انقلاب مظلوم می شود.

در اسفند ماه گذشته در مقدمه برنامه حداقل و انتقارات مرحلای خودمان از جمهوری اسلامی چنین نوشته بودیم:

"در حالیکه میانی زمینهای عینی اقتصادی و اجتماعی برای یک نظام به

پیروزند آزادی بخش از حریمت فراهم شد است، متأسفانه هنوز از شرایط

ذهنی خلقی برای پیروزی انقلاب به ضد امپریالیسم که با تواتر تشکیلاتی متناسب در

سطح کل کشور تجسم نییافتند بر خوردار نیستیم. شدت گرایی و غفلت از ریزگونی

عیانت تا ۸ اردیبهشت و ویژه پس از اطلاعات ارضی امپریالیستی سال ۴۱ تا

اصلی چنین کمیونیتی است، کمیونیتی که در صورت جریان شدن می تواند با

آن خواهد شد که شکت های گذشته، در انقلاب به شروطه و در دوران دکتربندی

مقید، مجدداً بنحوی دیگری تکرار شود، شکت های خلق و خونبار که بار دیگر در

انگال خامی خود، با استقرار دوباره سلطه استعمارگران بر ایران زمین که طی مرحله

مردم انتصابی میگردند، دستاوردهای بسیار گرانیزه و مهم که طی مرحله

سازره ضد دیکتاتوریت تحت رهبری قاطع حضرت آیت الله خمینی حاصل کرده ایم

تدریجاً از ما باز خواهند گشتند. بنابراین پیروزی انقلاب به ما از این پس در

نقش خطیر رهبری و مواضعی است که غما سر راه کشور و اصول و احزاب و جمعیت های

سیاسی اتخاذ میکنند.

بنابراین ما معتقد بودیم که ضعف های سیاسی تشکیلاتی این انقلاب فقط

حدودی از طریق ارتباط مستمر رهبری آن با نیروهای مختلف سیاسی و تشکیلاتی

قابل جبران است. همان ضعفهایی که به تأکید مورد توجه بیدار گفائی واقع شده

و با اشاره به آنها میکروا انقلاب حاضر را انقلابی "ناس" توصیف می نمود.

براستی هم چگونه میشود به آینده انقلابی کارگذارها و آدم های تربیت

شده و آرزایش شده کای برخوردار نیست چشم اند دوشاخ با برستی تا کجا و آنچه

در صمیمیت می توان به خلوص میبندیم و بررسی احزاب خلق الهی معتمد کرد؟

هم در صفهای که انقلابی مثالی و اسلام پناهی هیچ مایه و فخری نمیخواهد و به

هص دلایل است که این روزها شاهد بر تلاشیدن عمیقترین و گسترده ترین خود ابدایی

انقلاب چیست و انقلابی کیست؟ (۲)

آیا انقلاب ایران به هدفهای خود رسیده است؟

پیروزی همه جانبه بر امپریالیسم بدون استقرار دموکراسی توده ای، و سیردن قدرت بدست توانای خلق، و موضع گیری قاطع در جهت منافع کارگران و دهقانان امکان پذیر نیست.

دشمناره گذشته روشن شد که انقلاب ایران در شرایط تاریخی کنونی با محور کلیه آثار وابستگی و استعماری متحصن میشود. و در مرحله بعد با مبارزه طبقاتی در جهت حصول کامل استقرار به اوج میرسد.

مشون برنامه حداقل یک سیستم مجبزه ابءنوروزی اسلام و جهان بینی توحید، در شرایط فعلی دنیفاً لازم با فکی همجانیه آثار سیاسی، اقتصادی، نظامی، و فرهنگی امپریالیسم جهانی به سردمباردی، و سیاسی گلاباً از بس رفته است؟

هم داشته باشیم، و به خواهم که موتور خود ست حرکت نشود و مواجعه با موانع و بادهای مختلف را نیز تعیین کند، اما متأسفانه درست در لحظاتی که تنهائی

سیاسی - تشکیلاتی، یعنی فقدان ارتباطات مستمر ایشان با نیروهای سیاسی سازمان یافته و روشنفکران بود مجدداً "مشته بلند شد تا بدان حد

انقلابیونی که امام را تنها دانسته بودند بخورد و آنها را بر جای بماند.

بهر دم گفته شد که نشان بدهید امانت تنها نیست. به آنها گفته شد که

همان اشباع خیالی ضد انقلابی در دوزخ تظاهر شده و میخواندند و بران تصمصف کنند.

منتها این بار آنچه ضد انقلابی از فرزند امام را نیز متأسفانه انستیر کردند بودند، و لذا دیگر نمیشد بعد حلات را بیش از حد گسترش داد.

فاجعه ای بنام کردستان و قاطعاً در میان روشنفکران

البته ما فعلاً کاری نداریم که تعدادی از این جماعات از کجا و چاه و مایسل و بچه گشوهائی معلولانه گردآوری شدند. زیرا این فلاکتی ساله فرعی است

لکن آنچه اهمیت دارد میزان مرید است که آیا با گریز و تن عوام فریبانه از تنهایی سیاسی و تشکیلاتی به تنهایی آماری ساله حله شد، و خانه میانه است؟

آخر چه کسی شک داشت و فکر میکرد که نوده های ملی و بیرونیشان را تنها نگاه داشتند؟

بنابراین اگر ما قفانه و بی مقصد و غرض نگریسته شود منظور از آنچه فرزند امام گفته است جز این نیست که نیروهای سیاسی و تشکیلاتی مختلف، درست به همان

اندازه اطرافیان و حزب کمونیست و بر حرام رها یابند، تا مسائل همه جانبه نگریسته و چارچوبی شود.

اگر اینطور بود متأسفانه غمناقی بنام خیر کارگران و اجتماعی بنام کردستان و قاطعاً در میان روشنفکران و دانشجویان نهادیم. اگر اینطور میشد یعنی از اختناق

خود را بی درنگارینود و چنین تصویر تازیستی از کشور ما در افکار عمومی بی طرف جهانیان ثبت میشد. اگر

بخشد، اگر سیستم حاکم دارای ویژگی ضد استشاری نباشد، آنگاه هیچ انسان و ادعای هم نمیتواند جامعه را از وابستگی مجدد حفظ کند!

این بدان جهت است که پیروزی همه جانبه و تنهایی (و نه تاکتیکی) بر امپریالیسم (که نبود مبنی آن ملی شدن حداقل انتقارات و حرله ای است)

سازوم قاطعیت و مزمن استوار در جهت کوپیدن و نابودی آن هم آنتی ناپذیر خلقتاً و مظاهر داخلی آن در جامعه است. ک اینهم بدون استقرار

عزیز سرپرست یک دموکراسی توده ای، و سیردن قدرت بدست توانای خلق،

ویژه کارگران و دهقانان، و توسعه گیری قاطع خلق حق آنها سر

نیت. (در مقاله مضموم تقدس آزادی مجاهد شماره ۲ بنام دموکراسی خلقی

باجمت ضد استعماری از ارتکان دموکراسی، و تفاوت آن با دموکراسی

فرضی ما لبرالیسم شخصی است، دران مقاله دیدیم که لبرالیسم و دموکراسی فرضی ضشونی سازگاری

و بنف سرپناه داری را یکسبکند، در حالیکه دموکراسی خلقی علاوه بر تضمین آزادی های طبیعی با ویژگی

فدا شتاری و توده ای شاخته میشود.)

تسا در پرتو چنین خلقی بسج تدهای که ضامن پیروزی بردستان

ویشتوانه تضیرات بنیادی و انقلابی جامعه است، امکان پذیر میگردد.

در سر انبصورت نسبتاً مسالمت تعادلهای اجتماعی حل نمیشود، بلکه

بدون عک تندید خواهند شد. آنگاه باهمیج نیروی نظامی و پرسونیکهای

هم نیستون با آنها مقابله کرد. و این حقیقتی است که در کشورهای زیر سلطه

مکرراً تجربه شده است: چه سار زبمهای ترفنی که

جاکمیزن زبمهای ارتجائی و وابسته امپریالیسم شده و با تب و تاب

فراوان و وعده و وعده های فرار آرزو خویش و اقوال و امیدواریهای زبانی

بزرگنکشته، وصتی اقدامات چاپل و مزینری انجام دادند. اما در ست

دلایل فقدان همان عنصر توده ای - کارگری (ضد استعماری) در سیستم

و ماضعتان و سرانجام بدامن بزوارتی و لبرالیسم و تبتیاست" بدامن

امپریالیسم سلطه گردیدند!! (توضیحات ضروری و . . .)

بقره در مقاله ۶

مناصفانه درست در لحظاتی که تنهایی سیاسی - تشکیلاتی امام رو به آفتاب بود مجدداً مشتباه بلند شد

نایدهان ضد انقلابیونی! بخورند که امام را تنها دانسته بودند

تبریک به حسن تشخیص زندانیان سعادت

زندانیان: ایمان ضد انقلابی هاید انقلاب پیش از سعادت است

چنانکه در اطلاعات چهارشنبه ۹ آبان مبرخیزیم، آقای محمد کوپئی زندانیان سعادت در پاسخ به نام سوال خبرنگاران که دلیل سعادت در سلول است

است، و بسین سبب جز با وضعی متبع دادند: « توضیح میداد:

"ایشان بر خلاف زندانیانی هاید است که بجز حسد و هوس در رژیم گذشته

بریک جنبه جنایت شده اند، در اینجا اگر تارکسیان داشته باشند زندانی های

سازگار و دیگر زندانیان ضد انقلابی آن را تحمل می کنند، و با صلاح آنرا بوی

بوق نمی کنند، ولی ایشان در رابطه با انقلاب چون از آنها بدر بود و سعی

می کرد کوپترین راههای آزادی بوق کند، به طایر این مساله نسبت به

ایمانش به انقلاب اطیبان گفتری داشتیم، و خوب استیم ای بهانه ای بدست

ایشان بدهیم. سپس آقای کوپئی در چند سطر بعد

همی آزادی: "منظور استنفاک اینست این زندانی

ها برین زندانی ها داشت که ما برین ایمانشان به انقلاب نسبت به ایشان

بیشتر است. و ایشان ضد انقلابی تر از ما برین است.

بنجامد: کچه مشون صحبت های آقای

کوپئی به هیجوجه سبازی به شرح و تفصیل ندارد، بولی ما خوشحالیم که

مخمن شده بجهت عیانت باور یکی را آزاد می کند، بوجهائی است و دیگر، پس

بنام خداونام خلق قهرمان ایران

"عزیزا" مطالبی در همین جرابه

نشد عنوان گفتگوی ما سعادت بیشتر

تده است که تیران بطور عمومی روی

"اطبار رفقای" من از وضع "رفاهی"

زندانیان در زندان گفتید، همین گنگی

آن بدون اینکه وارد جزئیات مستلوم

و در مورد صحبت های استولین زندانی

باشن کامل صحبت های سایر خبرنگاران

بهرادم تشابه ذکر این مسله سیردادیم

که راه مادی تشابه زیرین آزادی و

آستین و روح است که به رضایت و سعادت

منشی می گردد، بر فرضی که زندانی

کلمات رفاهی را بدون هیچگونه ترفنی

وزری در اختیارتان قرار داده باشد که

همچو وص به بی ضرورت نبوده و اگر

انگاشی را بدست آورداد تم در اثر

بخشش تشابه دهلمگ تشه تلاش

میگرد و مردم من میباشد، ولی در

حداکثر خود تشابه فرضی بیش نیست.

فرسی که در مرتان آزادی من نگذاشد

گردید، و صحبت سیاسی من به باری

گرفته شده است، من اگر وسایلی را در

انتخاب کردم که از نظر امکانات

"رفاهی" است ولی از نظر من تنها

زبمهای مادی میبوند با خلق بونود با

حکمت انقلاب است، وقتی که انسان

توسط دیوارهای بلند و دیوارهای آخنی

از شن حرکت جامعه دیوارهای گنگی

قلمی - می تواند پیوسته خود را با جامعه

حفظ کند ولی وجود وسایلی مانند،

مادی و بوتولیزون روزنامه زبمهای

رادیو این را بطول و اسیرگرگیم این

نیاز را در حداقل فراهم می نماید،

لذا باید اینها و سایر تفریح و سرگرمی

بقول ستولین زندانی انگاشش "رفاهی

نیستند. راه من در حد خلق را بیش

من در آستین خلق، آزادی و آزادی

خلق و رضایت من در خدمت خلقی

نیستند است.

درد بر خلق قهرمان ایران

سلام سپر آزادی

به امید بازگشت به آغوش خلق

سید محمد رفقا سعادت - ۸۵/۴

پیشتازان کبیر سرزمین قسط

میخروشده نش اندر گوره آهنگر پرگین
از رخ او چو بیاری از غرق جاریست
میگشا پدراه خورسینده نش زان پس
قطره قطره میچکد بر خاک
میدرشد دیدگاهش همه چیزگی زنی مغرور
با دوستی بیرونه ، آهنگش پیرا نش پیرگار
پنک خود را میبرد بالا
آهی نشقیده را با خشم میگوید
با نفسی که داغ است و مظهر ،
پنک میگوید

زیر لب آرام قصه میگوید:
پنک را آهنگر پرگین ، محکم و سنگین
سخت تر بر آهش نشقیده میگوید.



بادوستی یزیدینه آهنگین ، عیارات ونج و کار

آتش از خورشید میریزد به روی دشت
گنجر با غمه و اندوه
با دوستی لاغر و تیره
میفتارد گاوآهن را بروی خاک
خاک را با خشم میگوید:
زیر لب آهسته میگوید:
(خشک آمد گنگاه من
در کنار گشت همیشه
فاقد روزان امیری ، دارو گشتی میرسد باران)
می تراود از دو چشمش اشک
بر رخ او چو بیاری گرم از خون و عرق جاریست
زیر لب آهسته میگوید:
گشت اسمان ازل خاک سیه سوزین زورده
گسلف خراش بود نداد کم آتزا
گودگانم در بلاهی گرسنه ماندند
وزستان با زور راه است.

مشت خود را میفتارد گنجر چون پنک
چشم خود بر شعله خورشید میدوزد
میزند فریاد
من همین فرود همین فرود همین فرود
سینه غارتگران را جای این خاک تپید خوب
شخم خواهم زده گاواهن
باز دگرین را در شگاف سینه غارتگران خویش
خواهم گاشت
باز خواهد داد
فقر من نبود خواهد شد
بر لبان کودگانم میگشا قدش چغلی بند
آتش از خورشید میریزد به روی دشت
گنجر با گینه و نهارت
زیر لب آوازهای شورش را میزند فریاد
میفتارد گاوآهن را بروی خاک



خشک آمد گنگاه من ...

از صدای کارخانه گوشه پلیر زفریاد است
در فجا جاریست پشم و پنبه و گوما
کارگر با غمه و اندوه ، استاد است
از گشت خون او در چرخها و ندهنده ها چایست
پنبه ها از خون پاکش رنگ میگیرد
می شود گلگلی
ناشود پنبه لبای رفوان آن تن آسبان بی مقدار
گاه گسلف سرفه ای از سینه اشک میخورد
قطره ای خون می تراود از دهان او
بر چرخها کارخانه گرم میریزد
هسرا و اندکی آسوز تراود در گلنجا جاریست
باز خونی بی خون و دستانی که اندران
آبی رنگهای او پیداست

کارگر آرام در فکرات
در نگاه او شکل میگیرد
آنکه هر لحظه خاشاک را چپا ول میکند ، پنبه
کارگر با خشم میبرد
هان کجاست او
در دریای دوری خلوت سرای خویش ؟
گرم در خواست ؟
پای کوبانست
دست افشانست
میخروشده کارگر چون رعد

دعوت به همکاری
سازمان مجاهدین خلق برای
برآورده کردن نقایح هواداران در
کشورهای دیگر که بریان فارسی آشنائی
ندارند در صدد است آثار و نشریات خود
را به عربی و انگلیسی ترجمه کند .
از تکلیف خواهان ویرانداری ما کماکان
ترجمه ی آثار را از فارسی به انگلیسی
با عربی با کیفیت خوب دارند ، (د و ر)
صورتیکه مایل به همکاری باشند ، تقاضا
میشود از طریق آدرس نشرویه مجاهدین
ما تماس بگیرند .



رفر همیسم

نامه های از یک برادر ازمنی

وضعیت ما معلوم است ا می خواهم
حقیقتی را بانشا در میان بگذارم . تمام
ارمانه امز راهی پاک و روشنگر متفق
عالمات ایستی به در طالقانی دارند .
دلیل این امر چیست ؟
ارمانه و دشمن از دست دادن
پدر طالقانی واقعا به سوگ نشسته
پدر دینگی از خطاهای خود
میگوید : « هر جا انقلابی علیه ظلم
استیاد و استیاد است ، انقلابی اسلامی
انسان دوستانه ، انقلابی و آزاد بر دانه
دل همه می شنید .
ارمانه فرم از دست دادن پدر واقعا
به سوگ نشسته و واقعا همان آوردند که
یک انقلابی برای همه یکسان است . من
وقتی می بینم که پدر بدست سال است
توسط یک سرمایه دار پشور اوسنی
استیاد می شود و هنگامی که می بینم
حمایت و پشتیبانی می گرد ، خالصانه
اوشقی می پرورم ، ولی متاسفانه هیچکس
دیگری فراموش (طالقانی) نتوانسته
است در دلد زوده های محروم اوسنی
جانی بدهد .
وقتی در انقلابی ترین نشریات
اسلامی و مخصوصا " مجاهد " کسب سازی
از روشنگران ایستی اکنون به آن روی

نامه ای که در زیر می خوانید از یک
برادر ازمنی است . در نامه های ما
انتقاد شده که چرا حقوق اقلیت های
دخس می توجه بوده ایم . آذمان
داریم که این کار نیز مثل بسیاری
کارهای دیگر ملت تراکم کارهای دست
برای انجام نشده . لذا از همین جا و
برای جبران آن کسود من نشکر از این
برادر ازمنی ، از سرمایه داران دیگر نیز
می خواهم که فعالیت خود را با ما شروع
کرد ، به ملکن باشد مفاحت " مجاهد
به روی آنها باز خواهند بود . قسسی
ارمانه این برادر را بدون هیچگونه
قتیاری نقل می کنیم .
سوال : سخن جان ازمنی " سازمان ،
مجاهدین خلق .
درود بر برادران سلمان که هنوز
رستگاری آزادی همواره ادامه میدهند
برادران انقلابی آزاد می دهند ، اما
عوم و باخبری کم ، می کجوان اوسنی
و کارگزاران هشم ، و بدلالی آسم و
شخصیات و نشانی عوم را نشی و سوسم و
عوم را نشی باس - ع - بخش می کنیم .
امیدوارم که بر می شنید . برادران ا
رزم سابق بسیاری کرد کسودان
انقلابی اقلیت های مختلف را از شا
سلمانان و انمی و انقلابی مدانگیدارد .
و زبان آرزو را همه امسر بردگان کشتی
به گوز میرد .

هنگامیکه ارتجاع ، جوانان و مسلمانان
انقلابی را به پان تهمت و افترا می بندد ،
دیگر وضعیت ما معلوم است
اکنون من دوستانم سالها است که
تحت تاثیر تحریکات انقلابی الجزایر
ندیدم " ما اسلام و انمی ، قرآن و
پیام اللانه ملائمت شده ایم ، و در مورد
آنها دست به ملامت و سوسم زدیم .
من اکنون مدتهاست که نشریات مختلف
اسلام انقلابی و از جمله " مجاهد " را با
دقت زیاد مطالعه می کنم و می بینم که
در دهم ماع امسلمان و مسلمانان
یکسان است . ولی اجازه به دهد در د
دل خود را می پرورم یا نشا در میان
بگذارم .
اکنون ارتجاع اوسنی و ارتجاع ایران
بطور عمومی ، می میزاردند کما
جوانان آذمان مختلف را به جان هم
سپارند . متاسفانه در اثر تبلیغات
همه جانبه برای اسلام ، و البته آسم نه
اسلام و انمی و انقلابی و آزادی بخش و
(از سوی دیگر ما) توحیه وارونه و
ناخواندانه آن از طرف ارتجاع اوسنی
که همان سرمایه داران ، می باشد ،
چو بسیار متشبی در میان زوده ناگاه
اوسنی ایجاد شده است . هنگامیکه
ارتجاع ، جوانان و مسلمانان انقلابی را
به پان تهمت و افترا می بندد ، دیگر

کارگر با خشم میخواند
آیه های شورش را ز زبانه پرشور
در نگاه او با بزرگی شکل میگیرد
میزند فریاد
در شگفتی از کسی کوز (فک) در خانه می بیند
لیک با شمشیر بر مردم نشی شود)

در دگان شهر خونی گرم می توعد
میخروشده باز در پای بزرگ نگاه به خلق
آتش خشم و سلا چتوده محروم
میخروشده همچنان آشنفاتی سرکش و بی رحم
چهره غارتگران چون گیسو زرد است
می درخشند در کفستصفین زوده محروم
پیشازان کبیر سرزمین قسط
رایت خونریزنگ عسبان بزرگ خلق
آمی بینم که در اغار صاف با خشم



در نگاه تیره او شکل میگیرد

میخروشده همچو شیر شیزه ز گنجر محروم
دست او در دست آن با فنده پرگین
دست دیگر رنگان کشتگی چون حلقه ای ستم
پیش می تازد چون سبیل بنیان کن
برده های اشک میبوشد و چشمه را
می خروشد در غریب زوده محروم
پیشازان کبیر سرزمین قسط کارگر در دهقان
عزیزان پولاد ، بر زمین بهروز
(اسماعیل بخاشی)

سامی در سنگرمبارزه مردم

ما بر تقییم و تودانی و دل پیخورما
" حافظ "

احساس مسئولیت است که استغفا
میدههته فرار از زیر بار
مشکلات و هراسیدن از این و آن
حرفهای دکتر نشان میدهد که
در دوا ، در وقتیکه همه مبارزان
با ایمان و صافتی است که عرض
چاه و مقام کورتان است که بپرد . علت
استغفا همان است که بپرد .
لقانی را از عورای انقلاب
گریزان می کند ، همان ملتسسی
است که معاصر مبارز و روشنگر
دیگر رافع می کند . همان
علتی که خیل عظیمی ز روشنگر
ان مسئول و مسلمانان نسبته
نظام حاکم می اعتماد دوم بوس
و سرخورد می کنند . نظمی که
انزوی برضار مردم را سه
کاتالهای انحرافی می گناید
و از راه غدا و راه مبارزه غد
امیریا لیستی باز میدارد (اهم
بقول خود دکتر به بسیار "ه
نحات اسلام) ، ظاهر ساله یک
استغفا ساده است . شا بد حرف
های چندان تازه ای نباشد و قبل
از او هم کسان همین حرفها و
دردها را بنحوی با زکو کرده
با شده . ولی اینبار معاصراه
اشکارا تر می شود . این واقعیت
در دنگ نشان میدهد که سیستم
حاکم با روالی که در پیش گرفته
فته و تا بدین جا پیش آمده ، هر
روز از محتوای مردمی خود
تبی تر میگردد . هر روز معاصر
ما ذوق بقول " کتشر " معتقدان به
تسول مسئولیت و اپشا گرا افغ
می کند . اگر تغییرات معشن
گونه در جهت تعقیبه معاصر تر
قیخواه ادامه یابد ، از یک طرف
رزم ، بر وضعیت مردمی و اسلامی
خود را بدتر می آورد ، دست می دهد
از طرف دیگر با یک دست کردن
بافت درونی خود توان بومش
گیری خود را در قبال نیروهای
انقلابی افزایش خواهد داد .

